

نوع مقاله: ترویجی

نقش عقل در نظام‌های اعتقادات دینی

محمد احدی / کارشناس ارشد فلسفه دین مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

mohammdahadi611@gmail.com

orcid.org/0009-0004-0292-2938

yosofiyan@iki.ac.ir

حسن یوسفیان / دانشیار گروه کلام و فلسفه دین مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴

دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۷

چکیده

از بنیادی‌ترین مباحث در علم کلام و فلسفه دین، بحث رابطه عقل و دین است که دغدغه بسیاری از فیلسوفان و متکلمان در جهان غرب و عالم اسلام بوده است. تعاریف بسیاری از عقل و دین و نظرات مختلفی درباره رابطه میان آنها ارائه شده؛ که از جمله نظرات می‌توان به عقل‌گرایی افراطی، نص‌گرایی افراطی و عقل‌گرایی معتدل اشاره کرد. برای حل مسائل پیش آمده در بحث رابطه عقل و دین، مکاتب مختلف کلامی پاسخ‌هایی را ارائه داده‌اند. یکی از مکاتب مهم و تأثیرگذار کلامی در جهان اسلام، نومعتزله نام دارد. شیخ محمد عبده و محمد عماره از برجسته‌ترین متفکران نومعتزلی اسلام‌گرا هستند که ضمن نقد جریان‌ات افراطی نص‌گرایی و عقل‌گرایی، آرائشان در میان اسلام‌گرایان اهل سنت تأثیرگذار بوده است. این دو اندیشمند در دفاع از عقلانیت اعتدالی و مبارزه با جریان‌ات افراطی همچون عقل‌گرایی افراطی و نص‌گرایی افراطی تلاش بسیار از خود نشان داده و تألیفات زیادی از خود به‌جای گذاشته‌اند.

در این نوشتار با روش کتابخانه‌ای تلاش می‌شود تا ضمن معرفی نص‌گرایی افراطی و عقل‌گرایی افراطی، اشکالات هر یک واکاوی شود؛ اشکالاتی نظیر تعبد و تعصب به ظواهر متون و نادیده گرفتن عقل، زیاده‌روی در تأویل متون دینی، ترویج تاریخ‌مندی نصوص دینی و طرفداری از سکولاریسم.

کلیدواژه‌ها: نص‌گرایی افراطی، عقل‌گرایی افراطی، عقل‌گرایی معتدل، عقل، دین.

مقدمه

در این نوشتار ابتدا تعریف دین و عقل از دیدگاه محمد عماره، سپس به دیدگاه‌های موجود در رابطه عقل و دین پرداخته شده است؛ و در ادامه نص‌گرایی افراطی و عقل‌گرایی افراطی از دیدگاه محمد عماره و نیز دیدگاه عماره در رابطه با عقل و دین بررسی و نقد شده است. این مقاله به دنبال اثبات نظریه عقل‌گرایی اعتدالی از دیدگاه یکی از برجسته‌ترین متفکران نومعتزلی اسلام‌گرای عرب به نام محمد عماره است؛ به عبارتی این نوشتار در ضمن نقد کلی دیدگاه عماره در رابطه عقل و دین به دنبال اتحاد و نزدیکی نظریه عقل‌گرایی اعتدالی از دیدگاه شیعه و نومعتزله است.

از دیرباز میان اندیشمندان فلسفه و کلام این مسئله مطرح بوده است که آیا میان آموزه‌های دو منبع عقل و دین سازگاری وجود دارد یا خیر. منشأ این سؤال را می‌توان مشاهده تعارضات ظاهری داده‌های این دو منبع دانست. در طول تاریخ متفکران مختلفی با رویکردهای متفاوت به پاسخ این پرسش پرداخته‌اند (یوسفیان، ۱۳۸۹، ص ۲۲۳-۲۲۴). حاصل فکر اندیشمندان موجب پیدایش دیدگاه‌های مختلفی از جمله عقل‌گرایی حداکثری، عقل‌گرایی انتقادی، عقل‌گرایی اعتدالی، نص‌گرایی و ایمان‌گرایی شده است (یوسفیان و شریفی، ۱۳۸۳، فصل‌های سوم تا هشتم).

برای حل مسئله رابطه عقل و دین مکاتب مختلف کلامی اظهارنظر کرده‌اند. از میان مکاتب مهم و تأثیرگذار کلامی در جهان اسلام می‌توان به نومعتزله اشاره کرد. پیروان این مکتب با حفظ برخی از اصول و مبانی معتزله به دنبال بازسازی و تعریف جدید از اسلام هستند. به اعتباری می‌توان نومعتزله را به نومعتزلیان شبه قاره هند، نومعتزلیان عرب و ایران تقسیم کرد (گلی، ۱۳۹۲، ص ۲۶۹-۲۸۰). از میان این سه قسم، نومعتزلیان عرب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. محمد عبده و محمد عماره از اندیشمندان تأثیرگذار و جریان‌ساز نومعتزله اسلام‌گرای عرب شناخته می‌شوند که بررسی آرائشان از اهمیت خاصی برخوردار است.

سؤال اصلی و کلیدی که در این نوشتار به دنبال آن هستیم این است که: آیا میان عقل ظنی و آموزه‌های دینی سازگاری وجود دارد یا خیر؟ به عبارت دیگر، عقل در نظام‌های اعتقادات دینی چه نقشی دارد؟ (پترسون و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۷۲) درباره پیشینه رابطه عقل و دین به طور عام و خاص می‌توان به آثار ذیل اشاره کرد:

کتاب *منزلت عقل در هندسه معرفت دینی* (جوادی آملی، ۱۳۸۶)؛
کتاب *عقل و دین از منظر رؤسنفکران دینی معاصر* (جعفری، ۱۳۸۶)؛
کتاب *عقل و وحی* (یوسفیان و شریفی، ۱۳۸۳)؛ کتاب *نقد و بررسی چیستی وحی قرآنی در نگاه نومعتزله* (گلی، ۱۳۹۲).

در زمینه بررسی رابطه عقل و دین از دیدگاه محمد عماره آثاری در قالب کتاب، پایان‌نامه و مقاله یافت نشد.

۱. تعریف مفاهیم

۱-۱. دین

محمد عماره تعریفی از دین به صورت کلی ارائه نداده است. از دیدگاه عماره، اسلام همان آموزه‌هایی است که از طرف خداوند برای هدایت انسان‌ها نازل شده است. وحدانیت خداوند متعال در الوهیت، ربوبیت، ذات، صفات و افعال مقصود می‌باشد. خلاصه و چکیده اسلام همان توحیدی است که مضامینش در سوره اخلاص آمده است (عماره، ۱۴۲۶ق، ص ۹).

۱-۲. عقل

به گفته عماره، میان اندیشمندان درباره معنای عقل اختلاف نظر وجود دارد.

الف) گروهی عقل را گزینه‌ای مرکب می‌دانند که به تنهایی قادر به درک حقایق عالم نخواهد بود.

ب) گروهی دیگر عقل را نوری از جانب خداوند می‌دانند که در قلب هر مؤمنی که بخواهد قرار می‌دهد.

ج) گروه سوم که فلاسفه هستند، معتقدند عقل جوهر مستقلی است که به تنهایی قادر به درک حقایق عالم می‌باشد (عماره، ۱۴۱۸ق، ص ۲۰).

عماره عقل را ملکه‌ای می‌شمارد که از طرف خداوند به انسان‌ها موهبت شده است؛ همچنین وی عقل را مادی نمی‌داند، بلکه جوهری مجرد می‌داند (عماره، بی تا - الف، ص ۲۳).

۲. دیدگاه‌های موجود در رابطه عقل و دین

محمد عماره نیز در کتبش به صورت پراکنده به رابطه عقل و دین و دیدگاه‌های موجود در آن پرداخته است (عماره، ۱۹۳۵ق، ص ۳-۴).

۲-۱. نص‌گرایی افراطی

پیروان این جریان برای فهم، به‌هیچ‌وجه از عقل استفاده نمی‌کنند؛ بلکه به آنچه که از ظاهر متون به دست می‌آورند، اکتفا می‌کنند. از منظر نص‌گرایان، عقل، هم‌رتبه هوای نفس است و هیچ تفاوتی میان عقل و هوای نفس قائل نیستند.

۲-۲. عقل‌گرایی افراطی

این جریان برای عقل مقام بسیار بالایی قائل است؛ به طوری که شعار خود را چنین قرار داده است: «جز عقل هیچ چیز دیگری بر عقل سلطنت و حاکمیت ندارد». پیروان مدرنیسم ادعای نسبیّت در دین دارند؛ برخلاف احکام عقلی که به طور مطلق قبول دارند. منشأ عقل‌گرایی افراطی در غرب را می‌توان رویکردی در مقابل نص‌گرایان مسلمان و تقابل میان عقل و نقل دانست. از منظر این دانشمندان غربی، میان عقل و نقل تقابلی وجود دارد که به‌هیچ‌وجه قابل جمع نیستند. البته باید گفت این دانشمندان به درستی تمدن اسلامی را درک نکرده‌اند؛ زیرا در اسلام «وحی الهی» خود معجزه عقلی است.

۲-۳. اعتدال‌گرایی اسلامی

عقلانیت در اسلام بر پایه کتاب تشریح و کتاب تکوین، بر پایه شریعت و عقل بنا شده است. دین اسلام مبتنی بر عقلانیت اعتدالی است. در دین از عقل و نقل به صورت مکمل استفاده می‌شود. این نوع عقلانیت، به عقلانیت مؤمنانه معتدل معروف است که در آن دین بر عقلی بنا شده که اصل و اساس در آن، عقلانیت است. عبارت این نوع عقلانیت به عقلانیت مؤمنانه است.

۳. نص‌گرایی افراطی

یکی از دیدگاه‌های مطرح در رابطه عقل و دین، نص‌گرایی افراطی است. نص‌گرایی افراطی در جهان اسلام به صورت اعتماد بیش از اندازه به متون بود؛ به گونه‌ای که منجر به نادیده گرفتن عقل شد؛ اما در جهان غرب نص‌گرایی افراطی به شکل ایمان‌گرایی ظهور پیدا کرد.

۳-۱. تعریف نص‌گرایی افراطی

توقف در ظواهر متون و عدم استفاده و انکار عقل به گونه‌ای که معانی به دست آمده از ظواهر را مرجع خود در امور دینی و دنیوی می‌دانند، تعریفی جامع و کامل از نص‌گرایی افراطی است که در آثار عماره به آن به وضوح اشاره شده است. ریشه‌های نص‌گرایی افراطی را می‌توان در قرون وسطا ریشه‌یابی کرد؛ زیرا در آن عصر، دین قداست خاصی داشت و مردم آن زمان متعصب به متون دینی بودند و عقل را به هیچ عنوان در امور دینی به کار نمی‌بردند (عماره، ۱۹۳۵ق، ص ۲۳۵).

عماره معتقد است در جهان اسلام نماینده نص‌گرایی افراطی با مکتب سلفیت شناخته می‌شود. این مکتب به شدت با عقل در ستیز است و تعصب خاصی به نصوص دارد. مکاتب دیگری که نص‌گرا باشند و وجود

دارند؛ اما هیچ کدام به افراط سلفیت نیستند (همان، ص ۲۴۰). به گفته عماره، با توجه به تناقض برداشت‌هایی که از اصطلاح سلفیت (خواه در عالم اسلام باشد خواه در عالم سکولار و غرب) در بین خوانندگان و شنوندگان وجود دارد؛ که لازم است به تبیین و توضیح اصطلاح سلف و سلفیه و سلفیین بپردازیم. وی میان سلف، سلفیت و سلفیین تفکیک قائل شده و برای هر کدام معانی مختلف ذکر کرده؛ سپس معنای مورد نظر خودش را بیان می‌کند.

به گفته عماره، اصطلاح سلف، با توجه به معنای لغوی آن، درباره نسلی رواج یافت که صحابه پیغمبر بودند؛ همان نسلی که دین را به پا داشتند و دولت اسلامی را پایه‌ریزی کردند. این اصطلاح بر صحابه‌ای که در عصر نزول وحی زندگی می‌کردند، سپس به تابعین صحابه و بعد از آن به تابعین تابعین، یعنی همه پیشوایان مذاهب بزرگ اطلاق شد. بنابراین سلف به معنای کسانی است که در امور دینی از آنها تقلید و به آنها اقتدا می‌شود. بعد از سلف که شامل «صحابه، تابعین و تابعین تابعین» است، نوبت به خلف می‌رسد؛ یعنی کسانی که از نظر زمانی، بعد از آن قرار دارند. بعد از خلف نسل‌های «متأخرین» و سپس «محدثین» و آنگاه معاصرین قرار می‌گیرند (عماره، ۱۴۲۹ق - الف، ص ۱۱۷؛ همو، ۱۴۳۰ق، ص ۳۱-۳۳).

عماره، هر انسانی را سلفی می‌داند؛ به این معنا که برای هر شخصی یک گذشته‌ای است که به آن منتسب و رجوعش به آن است. ریشه اختلاف می‌تواند عوامل زیادی از جمله چه کسی سلف توست؛ چگونه با سلف خود باید تعامل کرد؛ از سلف باید تقلید کرد یا باید دست به اجتهاد زد؛ باشد (عماره، ۱۴۲۹ق - ب، ص ۱۲).

اندیشه غربی با اندیشه اسلام متجدد فرق می‌کند. اولین مبنای اندیشه مکتب احیاء و نوسازی، رد جمود است؛ زیرا این اصل موجب شکسته شدن قیودی که مانع از آزادی امت از مخمصه‌های فرهنگی که برایشان به وجود آمده می‌باشد. مخمصه‌های فرهنگی که امت اسلامی دچار آن است، یک روی سکه آن عقب‌ماندگی موروثی است؛ و روی دیگر سکه از خودبیگانگی فکری و فرهنگی غربی. پیروان این مکتب به صورت عام و مطلق جمود و تقلید را نقد و رد کرده‌اند؛ یعنی نقدشان هم شامل تقلید از غربی‌ها و هم تقلید از گذشتگان امت اسلامی است. جمال‌الدین افغانی در باب نقد جمود این‌طور آورده است: «کسانی که از امت‌های بیگانه تقلید کرده، صاحبان و بزرگان آن علوم به شمار نمی‌روند و تمدن غرب بر اساس نظام طبیعت و سیر اجتماعی انسان‌ها شکل گرفته است». منظور افغانی این است که تمدن در کشورهای غربی با تمدن در کشورهای اسلامی فرق می‌کند؛ زیرا در کشورهای اسلامی تمدن ریشه در وحی دارد. کسانی که چشم به بیگانه دوخته و مطابق آن عمل کرده، منافذی برای نفوذ امت‌های دیگر به حساب می‌آیند. این‌گونه افراد موجب نفوذ اندیشه دشمن به سرزمین‌های اسلامی‌اند. تقلید از اندیشه تمدن غرب منجر به وجود آمدن مزدور می‌شود؛ یعنی مقلدین مزدوران امت‌اند نه عالمان امت. برخی گمان کرده‌اند با تقلید از امت‌های غربی دانش کسب کرده و صاحب نظر شده‌اند؛ اما برخلاف تصورشان آنها صاحبان علم محسوب نمی‌شوند. بنای تمدن اسلامی بر شریعت اسلامی است؛ به همین خاطر با تمدن غربی در ابعاد زیادی فرق دارد (عماره، بی تا - ب، ص ۱۵-۱۷).

۴. عقل‌گرایی افراطی

دیدگاه دوم در رابطه عقل و دین، عقل‌گرایی افراطی است. وجه اشتراک طرفداران عقل‌گرایی افراطی را می‌توان در اعتماد و تکیه بیش از اندازه به توانایی عقل در حل مسائل و نادیده گرفتن متون دینی خلاصه کرد. در ضمن تعریف عقل‌گرایی افراطی، به گونه‌ها و شاخصه‌های عقل‌گرایی افراطی پرداخته و در نهایت نقدی از عماره بر آنان آورده‌ایم.

۴-۱. تعریف عقل‌گرایی افراطی

از دیدگاه عماره، عقل‌گرایان افراطی علی‌رغم اختلاف در گرایش‌ها و فرقه‌ها، وجه مشترکی در به کارگیری افراطی از عقل دارند. اعتماد بیش

هر چند اصطلاح سلفی بر بسیاری از گروه‌های فکری صدق می‌کند؛ اما عده‌ای خاص آن را در انحصار خود قرار داده‌اند (شبیبه آنکه ما شیعیان می‌گوییم: اهل سنت واقعی ما هستیم؛ یا دست کم ما هم اهل سنت هستیم؛ اما کسانی دیگر به دروغ آن را منحصر به خود دانسته‌اند). منظور از عده‌ای خاص، یعنی کسانی که نص‌گرا هستند و آن را بر قیاس و تأویل و انواع دیگر روش‌های عقلی مقدم می‌دارند (عماره، ۱۴۲۹ق - ج، ص ۱۳-۱۵).

۳-۲. نقد نص‌گرایی

محمد عماره در راستای ارزیابی نص‌گرایی افراطی، به نقدهایی که محمد عبده متوجه وهابیت ساخته، توجهی خاصی نشان داده است. گزیده گزارش عماره از موضع‌گیری عبده چنین است: به گفته وی، نص‌گرایان افراطی، در ظواهر نصوص توقف می‌کنند؛ درحالی‌که از دقت‌های عقلی در مقاصد و احکامی که برای آن نازل شده، غافل‌اند. انتقاد عبده بر سلفیت وهابیت بر این مبناست که این نوع سلفیت از عقل و عقلانیت اسلامی تهی است؛ یعنی سلفیت وهابیت یکی از ارکان مهم اسلام یعنی عقل را نادیده گرفته است. آن‌قدر وهابیان از عقلانیت به دور هستند که حتی از مقلدینی که با اصلاحات دشمنی دارند، پایین‌ترند. تلاش وهابیان برای اصلاح فهم دین از طریق بازگشت به سلفیت پسندیده است؛ اما مشکل اینجاست که در همه امور حتی با تحولات و مسائل جدید دنیا، هم می‌خواهند طبق آموزه‌های سلف عمل کنند؛ یعنی آنچه که با آموزه‌های سلف مطابق نباشد، نپذیرند. به همین خاطر است که نمی‌توانند خود را با مسائل جدید روز دنیا تطبیق دهند؛ بنابراین در همان گذشته مانده‌اند (عماره، ۱۴۲۷ق - الف، ص ۵۳-۵۵).

از دیدگاه عماره، مکتب احیاء و اصلاحات به دست فیلسوف مسلمان، جمال‌الدین افغانی (۱۲۵۴-۱۳۱۴ق) شکوفا و ظهور پیدا کرد. این مکتب دارای اصول ده‌گانه‌ای است که اولین اصل آن نقد جمود و تقلید است. عماره در توضیح اصل اول این‌طور بیان می‌کند: پیروان این مکتب جمود و تقلید را موجب تعطیلی و از بین رفتن ملکات هدایت، تعقل و تجدد می‌دانند. ملکاتی که خداوند به انسان‌ها موهبت کرده که به واسطه آن ملکات از سایر مخلوقات متمایز می‌گردد. به علاوه جمود و تقلید موجب به وجود آمدن خلأ فکری می‌شود که بیشتر در افکار غربی و بیگانگان تمدنی وجود دارد.

بها می‌دادند؛ به طوری که جز مادیات چیز دیگری معنا و مفهوم نداشت. پیروان این جریان بر این اعتقاد بودند که می‌توان همه مشکلات را با عقل انسان حل کرد. به لحاظ دینی ملحد بودند؛ یعنی به خدا و آموزه‌های دینی عقیده نداشتند. مارکسیسم نمونه بارز عقل‌گرایی افراطی دین‌ستیز شناخته می‌شود. شعار پوزیتیویست‌های سکولار «هیچ چیز جز عقل بر عقل سلطه ندارد» شعار عقل‌گرایان افراطی دین‌ستیز شد (عمار، ۱۴۱۹ق، ص ۲۴۸؛ همو، ۱۴۲۳ق، ص ۷).

۲-۲-۴. عقل‌گرایان افراطی دین‌باور

عمار، معتقد است برخی از عقل‌گرایان افراطی به لحاظ دینی معتقد به خالق برای انسان و هستی هستند که تنها امر آفریدن را برعهده دارد. به عبارتی همان خدای ساعت‌ساز که در غرب معروف است؛ یعنی خداوند همانند ساعت‌سازی است که با ساخت ساعت، کارش تمام می‌شود. خداوند با آفرینش جهان و انسان در اداره آنها دخالتی نمی‌کند و اداره آنها را به خودشان واگذار کرده است. بنابراین دین در امور سیاسی و اجتماعی برنامه‌ای را ارائه نداده است و اداره این‌گونه موارد را به خود مردم واگذار کرده است. این جریان ایمان دینی را منحصر در ارتباط خاص و شخصی میان انسان با خداوند دانسته است. از جمله فیلسوفان این جریان می‌توان به هابز، جان لاک، لایب‌نیتس، روسو و لسینگ اشاره کرد (عمار، ۱۴۱۹ق، ص ۲۴۸).

۳-۴. شاخصه‌های عقل‌گرایی افراطی

پس از بیان گونه‌های عقل‌گرایی افراطی و تقسیم آن به عقل‌گرایی دین‌ستیز و دین‌باور؛ به سه مورد از شاخصه‌های عقل‌گرایی افراطی که از آثار عماره قابل استنباط است، اشاره می‌کنیم.

۱-۳-۴. زیاده‌روی در تأویل متون دینی

یکی از شاخصه‌های عقل‌گرایی افراطی دین‌باور، کثرت تأویل متون دینی است؛ به گونه‌ای که پیروان عقل‌گرایی افراطی به ظاهر هیچ نص دینی عمل نمی‌کردند؛ بلکه آن را ابتدا تأویل می‌بردند، سپس به آن عمل می‌کردند. این رویه به خاطر اعتماد و تکیه بیش از اندازه به عقل است و نشان از والابودن مقام عقل در نزد آنان دارد (عمار، ۱۴۲۷ق - د، ص ۶۳).

از اندازه به توانایی‌های عقل دارند. اعتقاد دارند می‌توان با عقل همه مشکلات را حل کرد. عقل را ملاک و معیار سنجش همه چیز قرار داده‌اند. عقل بریده از وحی مدنظرشان است؛ و به نوعی عقل انسان را پرستش می‌کنند. برای عقل‌گرایی افراطی گرایش‌ها و فرقه‌های گوناگونی وجود دارد. این جریان در میان فلاسفه مسلمان زیاد به چشم می‌خورد که می‌توان به کندی اشاره کرد (عمار، ۱۹۳۵ق، ص ۲۴۰).

مادی‌گرایان افراطی یکی از فرقه‌هایی است که پیروانش خواه از غربی‌ها باشد و خواه از غرب‌زدگان وطنی، ابزار کسب معرفت را در عقل و تجربه منحصر دانسته‌اند و منشأ معرفت را تنها عالم هستی و مادیات می‌دانند. هر آنچه غیر از مادیات را بی‌معنا و بی‌مفهوم تلقی می‌کنند. آنچه با عقل و تجربه به دست آید، حقیقت و دارای معنا و مفهوم است؛ اما آنچه که فراتر از فهم عقل یا با حواس درک نشود، واقعیت و معنا ندارد (عمار، ۱۴۲۷ق - ب، ص ۵۳).

باطن‌گرایان یکی دیگر از گرایش‌ها افراط در تأویل است. طرفداران این گرایش تأویل متون را به صورت گسترده‌ای به کار برده، به عبارتی اعتقاد به باطن داشتن هر ظاهر و تأویل هر متن نازلشده‌ای دارند؛ به گونه‌ای که تمامی متون دینی از جمله قرآن و احادیث نبوی را تأویل برده، یعنی برای هر متن دینی، شأن نزولی در نظر گرفته‌اند (عمار، ۱۴۲۷ق - ج، ص ۳).

۲-۴. گونه‌های عقل‌گرایی افراطی

در ابتدا به تبیین گونه‌های عقل‌گرایی افراطی از منظر محمد عماره خواهیم پرداخت. عماره، عقل‌گرایی افراطی را به دو گونه عقل‌گرایی افراطی دین‌ستیز و عقل‌گرایی افراطی دین‌باور تقسیم می‌کند. ویژگی مشترک میان عقل‌گرایان افراطی دین‌ستیز و عقل‌گرایان دین‌باور، اعتماد بیش از اندازه به عقل و نفی وحی است. وجه تمایز این دو گونه در اعتقاد و عدم اعتقاد به دین است. عقل‌گرایان دین‌ستیز جز مادیات برایشان چیز دیگری معنا و مفهوم نداشت. در مقابل عقل‌گرایان دین‌باور به خالق برای انسان و هستی معتقد هستند که تنها امر آفریدن را برعهده دارد.

۱-۲-۴. عقل‌گرایان افراطی دین‌ستیز

از منظر عماره، جریان مادی و ملحد زندگی دنیوی را از ایمان دینی جدا می‌داند. همچنان که از اسم این جریان پیداست، تنها به مادیات

۲-۳-۴. ترویج تاریخ‌مندی نصوص دینی

پس از اشاره به زیاده‌روی تأویل در متون دینی، به‌عنوان اولین شاخصه عقل‌گرایی افراطی، نوبت به دومین شاخصه می‌رسد. از منظر عماره دومین شاخصه عقل‌گرایی افراطی دین‌باور، اعتقاد به تاریخ‌مندی نصوص دینی است. عماره در تعریف این شاخصه می‌گوید: «قوانین اجتماعی متناسب با اوضاع و احوال زمانی و مکانی و در طول تاریخ نگاشته شده است؛ به‌علاوه اینکه قانون از نتایج عقل جمعی نشئت می‌گیرد؛ یعنی تمام افراد با عقل خود یک مجموعه‌ای از قانون را وضع کرده‌اند. البته این تاریخ‌مندی محدود به قوانین بشری نماند؛ بلکه به شرایع الهی هم تعمیم داده شد» (عماره، ۱۴۲۷ق - ه، ص ۴).

۳-۳-۴. طرفداری از سکولاریسم

از دیدگاه محمد عماره، یکی از شاخصه‌های عقل‌گرایی افراطی، جانب‌داری از سکولاریسم است. در زبان عربی، معادل این واژه را «علمانیه» قرار داده‌اند؛ چنان‌که عماره خود می‌نویسد: اصطلاح علمانیه ترجمه‌ای است که در مصر و قسمت شرق عربی به‌عنوان معادل کلمه انگلیسی Secularism رواج یافته است. اصطلاح سکولار یا علمانی را می‌توان به معنای دنیوی، این جهانی، واقعی، و آنچه که مقابل امر مقدس یعنی دین قرار می‌گیرد، دانست. به تعبیر دیگر، مکتب سکولاریسم قداست دین را به دنیا می‌دهد.

عماره معتقد است با توجه به معنایی که از این واژه در کاربرد اروپایی مورد نظر بوده (یعنی این عالم‌گرایی)، قاعده اقتضا می‌کرد که در نسبت به «عالم» تعبیر «علمانیه» یا «عالمانیه» به کار رود؛ اما به‌صورت غیرقیاسی، از تعبیر «علمانیه» استفاده شده و همین تعبیر بوده که رواج یافته است. منشأ سکولاریسم اروپا بوده؛ به‌همین خاطر برای فهم دقیق سکولاریسم باید شرایط سیاسی، فرهنگی و مذهبی اروپا را به‌صورت دقیق مطالعه و مدنظر قرار داد. به‌علاوه فلسفه یونان به شدت در آموزه‌های مسیحیت تأثیرگذار بود (عماره، ۱۴۲۴ق - الف، ص ۲۳).

۴-۳-۴. نقد عقل‌گرایی افراطی

به اعتقاد عماره، در اسلام خداوند علاوه بر خلق، تدبیر همه عوالم و امت‌ها و مخلوقات را برعهده دارد. خداوند تمام امور دنیوی و اخروی را برعهده دارد. خداوند علاوه بر برنامه داشتن برای دو جهان، اراده‌اش در اجرا شدن امور دنیوی و اخروی دخیل است. خداوند در

قرآن کریم تصور بت‌پرستان جاهل (همان قول ارسطویی که قائل بود خداوند تنها کار خلق را برعهده دارد و تدبیر امور دنیوی را از طریق اسباب موجود در طبیعت، به خود انسان‌ها واگذار کرده است) را بیان و باطل می‌شمارد. در متون اسلامی محدوده و دامنه عملکرد خداوند این‌طور توصیف شده است: «خالق همه چیز، مدبر همه امور حتی اموری که مقدر انسان‌هاست» (یونس: ۵۳؛ اعراف: ۵۴؛ طه: ۴۹-۵۰). از دیدگاه اسلام همه پدیده‌ها متعلق به خداوند است و مالک حقیقی تنها اوست. به‌همین خاطر است که مالکیت انسان‌ها نیابتی و به حکم خلیفه خداوند بودن است. (انعام: ۱۶۲-۱۶۳). در نتیجه انسان مؤمن که خداوند را مدبر همه امور می‌داند، محال است میان مدبر آسمان از زمین تفکیک قائل شود.

از دیدگاه عماره میراث تمدن اسلامی با میراث تمدن غربی از چند جهت با یکدیگر فرق دارد: الف) در تصور محدوده عملکرد خداوند؛ ب) جایگاه انسان در هستی؛ ج) فلسفه تشریح قوانین اسلامی؛ خواه در مبادی شریعت یا قواعد و مقاصد آن باشد که قانون‌گذار الهی دارد، خواه در فقه معاملات باشد که از ابداعات فقه‌های مسلمان است؛ ابداعاتی که مبتنی بر مبادی و قواعد شریعت است؛ د) ویژگی تشریح اسلامی آن است که «منفعت» را با «اخلاق»، «مصلحت» را با «مقاصد شرعی» و «سعادت دنیا» را با «نجات در روز قیامت» مرتبط ساخته است. مصلحتی که در قانون اسلامی است، مطلق مصلحت نیست؛ بلکه مصلحت شرعی معتبر است. در اسلام مطلق مصلحت و منفعت دنیوی به‌تنهایی مقصود نیست؛ بلکه همه اعمال مسلمان به‌خاطر خداوند صورت می‌گیرد؛ به‌عبارتی محور همه کارهای انسان‌ها خداوند است (انعام: ۱۶۲). در تفکر سیاسی غربی، قرارداد مشروط و قانونی که موجب برپایی جامعه می‌شود، صرفاً رضایت میان حاکم و رعیت است. قانون توسط خود مردم و با رضایت خودشان نوشته می‌شود. از همین جهت قانون، کاملاً بشری است؛ یعنی توسط بشر برای بشر وضع شده است. اما منشأ قرارداد قانونی در اسلام، وحیانی است؛ یعنی قانون را خداوند و رسولش برای مردم وضع کرده‌اند. قانون توسط وحی الهی و سنت نبوی به بشر رسیده است. به این حقیقت، که منشأ قوانین وضع الهی دارد، در قرآن کریم (نساء: ۵۸-۶۰)، و سنت نبوی اشاره شده است. رسول خدا ﷺ پس از مهاجرت به مدینه، در نخستین دستورالعملی که برای حکومت صادر کرده، مرجع همه نزاع‌ها و

عقل و نقل، حکمت و شریعت هیچ تناقضی میانشان وجود ندارد (عمار، ۱۹۳۵ق، ص ۲۴۰).

یکی از امتیازات و ویژگی‌های متمایزکننده دین اسلام از سایر ادیان عقلانیت این مکتب است. عقلانیتی که اسلام دارد عین وحی است. با این بیان که قرآن وحی الهی معجزه‌های عقلانی است؛ برخلاف معجزات سایر انبیاء؛ زیرا معجزات سایر انبیاء برای متخیر کردن عقول بودند، اما قرآن خودش عقلانی است؛ زیرا خود قرآن در آیات بسیاری انسان‌ها را دعوت به تأمل در نشانه‌های آفاقی و انفسی کرده است. عقل را ملاک تکالیف شرعی قرار داده است (عمار، ۱۴۲۹ق - ۵، ص ۲۰۲).

بنابراین وجود عنصر عقلانیت در اسلام با مکاتبی همانند باطن‌گراها، سکولاریسم، نص‌گرایان افراطی و سایر مکاتب متفاوت است؛ زیرا در برخی از این مکاتب عقل به صورت افراطی به کار گرفته می‌شود. به عبارتی، عقل از نقل بریده است؛ اما در طرف مقابل برخی از مکاتب دیگر تنها به ظواهر متون اکتفا کرده و عقل را منکر شده‌اند؛ اما عقلانیتی که اسلام آن را برگزیده، میان این دو دسته از مکاتب است. از دیدگاه عمار، عقلانیت اعتدالی هم با سلفیت و هم با تجدید قابل جمع است. عقلانیت اعتدالی سلفی است؛ به این معنا که در این نوع عقلانیت از متون و مأثورات دینی «کتاب و سنت» استفاده می‌شود. البته باید توجه داشت که این نوع سلفی‌گری که توسط جمال‌الدین افغانی پایه‌گذاری شده با سلفیتی که امثال عبدالوهاب معتقدند، فرق می‌کند؛ زیرا افغانی سلفی‌گری را همراه عقلانیت بنا کرد، اما امثال عبدالوهاب سلفیت بریده از عقلانیت منظورشان است؛ از طرفی هم این نوع عقلانیت با مسائل جدید و روشنفکری سازگار است.

تقابل عقل و نقل از آثار دوگانگی‌های متناقضی است که اندیشه تمدن غرب توسط آن شکل گرفت است. تمدن غرب در عصرهای ابتدایی کاملاً به الهیات اعتقاد داشتند؛ به عبارتی متعبد به نقل بدون عقل بودند. اما در عصری که معروف به عصر روشنگری بود انقلابی علیه نقل صورت گرفت به گونه‌ای که نقل را رد کرده و ملاک و معیار همه چیز عقل شد؛ اما در اندیشه تمدن اسلامی مخصوصاً در عصر شکوفایی اسلام، نقل به هیچ عنوان در مقابل عقل نبوده؛ زیرا نقل در اسلام که همان قرآن کریم است، ریشه و ترغیب‌کننده به کارگیری عقلانیت شمرده می‌شود. در قرآن بیش از دویست آیه در باب تعقل وارد شده است. البته در آیاتی از واژگان و اصطلاحات مشابه تعقل مانند لب، النهی، فکر، فقه، تدبر و غیره استفاده شده

مشاهده‌هایی که می‌تواند به فساد در جامعه منتهی شوند را خدا و رسولش دانسته است: «و ما کان بین اهل هذه الصحیفه من اشتجار یخشی فساده فمرده الی الله و الی محمد...».

مرجعیت دینی قوانین برای برپایی حکومت، از نظر تاریخی نیز جامعه اسلامی را کاملاً متفاوت و متمایز از جوامع دیگر کرده است. در طول تاریخ چنین جوامعی وجود داشتند؛ جوامعی با دولت‌های استبدادی که براساس هوای نفس، شهوت و قدرت حکمرانی می‌کردند. دولت‌های دینی که حاکمان آن خود را نائبان از طرف خدا به مردم معرفی می‌کردند. البته برای تسلط و حکمرانی بر مردم خود را نائبان خدا جا می‌زدند. دولت‌هایی از جمله دولت‌های سکولار که حاکمان آن براساس عقل و مصلحت رها شده از مرجعیت دینی حکمرانی می‌کردند. حاکمان نایب مردم بودند و از دین و شریعت الهی در سیاست و تدبیر امور خبری نبود. اما دولت و جامعه اسلامی وضعیتی متمایز و یگانه دارد؛ چراکه در آن مرجعیت قوانین بر عهده دین الهی است؛ یعنی همه قوانینی که برای برپایی جامعه موردنیاز است، از دین الهی سرچشمه می‌گیرد. به‌طور کلی دولت سکولار براساس سیاست‌های عقلی که تنها مصالح دنیوی را دربر می‌گیرد، بنا شده است. در مقابل، جامعه اسلامی از شریعتی که هم مصالح دنیوی و هم مصالح اخروی را مدنظر دارد، گرفته شده است. دولت سکولار از عقل مجرد از شرع و دولت اسلامی از عقل همراه شرع بهره می‌جوید (عمار، ۱۴۲۴ق - ب، ص ۳۱-۳۹).

۵. عقل‌گرایی معتدل

سومین دیدگاه در رابطه عقل و دین، عقل‌گرایی اعتدالی است. دیدگاهی که میان دو دیدگاه نص‌گرایی افراطی و عقل‌گرایی افراطی قرار دارد. این دیدگاه نه همانند نص‌گرایان افراطی تنها به متون دینی پرداخته و نه همانند عقل‌گرایان افراطی فقط به عقل اعتماد کرده؛ بلکه میان عقل و نقل نه تنها تقابلی ایجاد نکرده، بلکه میان آن دو جمع کرده است. به اعتقاد عمار، عقل‌گرایی معتدل را باید در میان متکلمان مسلمان در مکتب معتزله ریشه‌یابی کرد. این مکتب در حقیقت میان نص‌گرایی افراطی و عقل‌گرایی افراطی قرار دارد. این مکتب نه همانند سلفی‌ها فقط به نقل تکیه و منکر عقل بوده و نه همانند فلاسفه فقط به عقل اعتماد و نقل را نادیده گرفته؛ بلکه عقل و نقل را با یکدیگر در نظر می‌گیرند. در فلسفه مکتب معتزله

است؛ بنابراین در اسلام نقل همیشه برانگیزاننده و دعوت‌کننده به تعقل، تفقه، تدبر و تعلم بوده است. از طرفی هم عقل به‌عنوان منبع و ابزار فهم و درک شریعت و شرط و ملاک تدین قلمداد شده است؛ بنابراین اسلام دوگانگی میان عقل و نقل را نپذیرفته است. از دیدگاه اسلام، هیچ‌گاه میان آموزه‌های قطعی عقل و نقل تعارضی رخ نمی‌دهد (عمار، ۱۴۳۳ق، ص ۵۱-۵۰).

۶. نقد عماره

برخی از نویسندگان به نقد دیدگاه عماره درباره عقل پرداخته‌اند؛ از جمله عبدالرزاق در یکی از آثار خود برخی از اتهاماتی که به عماره وارد شده را همراه با پاسخ آورده است. البته نویسنده کتاب به هیچ‌وجه با این نقدها موافق نبوده، به همین خاطر از آنها به اتهام یاد می‌کند و به‌علاوه پاسخ‌های همه آنها را آورده است.

به اعتقاد عبدالرزاق از جمله اتهاماتی که به عماره در زمینه عقل‌گرایی وارد شده، افراط عماره در تعظیم و تکریم عقل انسان است. عماره در تکریم عقل خطاکار بشر تا به حدی پیش رفته که عقل را حاکم بر نصوص شرعی قرار داده است. به‌علاوه بسیاری از احکام و نصوصی را که موافق عقل نباشند را رد کرده است. گروه‌هایی که به عماره چنین اتهامی وارد کرده‌اند، معتقدند عماره با معتزلیان هم‌فکر است و در پی احیای میراث مکتب جمال‌الدین افغانی و محمد عبده است؛ درحالی‌که این گروه این مکتب را از جریان اسلامی منحرف و آنها را جزء سکولاریسم می‌دانند (عیسی، ۱۴۳۲ق، ص ۳۴-۳۵).

عبدالرزاق معتقد است این دست از اتهامات نشان از بی‌خبری و ناآگاهی از آثار عماره در این زمینه است. عماره کتاب‌های زیادی در رابطه با دفاع از اسلام در برابر سکولاریسم دارد. با مطالعه این آثار به راحتی می‌توان تشخیص داد این نوع اتهامات به وی نادرست است. عماره ایستادن در برابر سکولاریسم و غربزدگی را از اساتید خود محمد عبده و جمال‌الدین افغانی آموخته است. خط فکری این مکتب ناشی از مبانی اندیشه اسلامی است و کاملاً با آن هماهنگی دارد؛ بنابراین هیچ‌گونه افراطی صورت نگرفته است (همان، ص ۳۵-۳۶).

شاید بتوان به عماره این نقد را وارد کرد که وی درباره تعارض میان عقل ظنی و نقل چیزی بیان نکرده است. مسئله مهمی که مطرح است تعارض میان عقل ظنی و آموزه‌های دینی است که عماره مطلبی در این زمینه نگفته است، و تنها به هم‌پوشانی عقل

قطعی و نقل قطعی اکتفا کرده است.

با بررسی آثار عماره با اطمینان می‌توان به این نتیجه رسید که وی نه تنها عقل‌گرایی افراطی نبوده؛ بلکه در مقابل مکاتب عقل‌گرایی افراطی ایستاده و شاخصه‌های عقل‌گرایی افراطی را نقد کرده است.

نتیجه‌گیری

از نظرات مطرح‌شده در بحث رابطه عقل و دین، که در آثار محمد عماره قابل استنباط است می‌توان به عقل‌گرایی افراطی، نص‌گرایی افراطی و عقل‌گرایی معتدل اشاره کرد.

از دیدگاه محمد عماره، زیاده‌روی در تأویل متون دینی، یکی از شاخصه‌های عقل‌گرایی افراطی است. البته هرگونه تأویلی را نباید به معنای افراط در عقل‌گرایی دانست؛ زیرا روشن است که عقل‌گرایان معتدل نیز گاه از ظاهر متون دینی، به دلیل تعارض آن با ادله یقینی عقلی، دست برمی‌دارند.

ترویج تاریخ‌مندی نصوص دینی، یکی از شاخصه‌های عقل‌گرایی افراطی است. عماره دو اشکال به این ادعا وارد می‌کند: اولاً علماء اسباب نزول را متناسب با نزول احکام، و نه علت در نزول آیات تقریر کرده‌اند؛ ثانیاً احادیثی که اسباب نزول در آن آمده، همگی از احادیث واحدند؛ بنابراین چندان نمی‌توان به آن اعتماد کرد.

یکی دیگر از شاخصه‌های عقل‌گرایی افراطی، جانب‌داری از سکولاریسم است. از دیدگاه عماره میراث تمدن اسلامی با میراث تمدن غربی از چند جهت با یکدیگر فرق دارد. در تصور محدوده عملکرد خداوند، جایگاه انسان در هستی، فلسفه تشریح قوانین اسلامی خواه در مبادی شریعت یا قواعد و مقاصد آن باشد که قانون‌گذار الهی دارد؛ خواه در فقه معاملات باشد که از ابداعات فقهای مسلمان است؛ ویژگی تشریح اسلامی آن است که «منفعت» را با «اخلاق»، «مصلحت» را با «مقاصد شریعت» و «سعادت دنیا» را با «تجات در روز قیامت» مرتبط ساخته است. مصلحتی که در قانون اسلامی است، مطلق مصلحت نیست؛ بلکه مصلحت شرعی معتبر است. از دیدگاه عماره، نص‌گرایی افراطی به دلیل تأکید بیش از حد به ظواهر متون و نادیده گرفتن عقل، مردود است. تقابل عقل و نقل از آثار دوگانگی‌های متناقضی است که اندیشه تمدن غرب توسط آن شکل گرفت است. به اعتقاد عماره، معتزلیان پیشگامان عقلانیت اعتدالی در اسلام شناخته می‌شود. از دیدگاه عماره، میان عقل و نقل هیچ‌گونه تقابلی وجود ندارد؛ بلکه میانشان هم‌پوشانی وجود دارد.

.....منابع

- پترسون، مایکل و دیگران، ۱۳۷۹، *عقل و اعتقاد دینی*، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، چ ششم، تهران، طرح نو.
- جعفری، محمد، ۱۳۸۶، *عقل و دین از منظر روشنفکران دینی معاصر*، قم، صهبای یقین.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶، *منزلت عقل در هندسه معرفت دینی*، قم، اسراء.
- عمار، محمد، ۱۴۱۸ق، *الاسلام والمستقبل*، قاهره، دار الرشاد.
- _____، ۱۴۱۹ق، *الوسیط فی المذاهب و المصطلحات الاسلامیه*، مصر، نهضة المصر.
- _____، ۱۴۲۳ق، *تسهان حول الاسلام*، قاهره، نهضة المصر.
- _____، ۱۴۲۴ق - الف، *مقالات الغلو الدینی و اللادینی*، قاهره، مكتبة الدولية.
- _____، ۱۴۲۴ق - ب، *ابن رشد بین العرب و الاسلام*، مصر، نهضة المصر.
- _____، ۱۴۲۶ق، *الدين و الحضارة و عوامل امتیاز الاسلام*، قاهره، مكتبة الشروق الدولية.
- _____، ۱۴۲۷ق - الف، *الاصلاح بالاسلام*، قاهره، نهضة المصر.
- _____، ۱۴۲۷ق - ب، *النص الاسلامی بین التاريخیه و الاجتهاد و الجمود*، مصر، نهضة المصر.
- _____، ۱۴۲۷ق - ج، *قراءة النص الدینی بین التأویل العربی و التأویل الاسلامی*، قاهره، مكتبة الدولية.
- _____، ۱۴۲۹ق - د، *الاسلام و التعدیه*، قاهره، مكتبة الشروق الدولية.
- _____، ۱۴۲۹ق - هـ، *السلف و السلفیه*، مصر، قلیوب.
- _____، ۱۴۳۰ق، *ازالة الشبهات عن المعانی المصطلحات*، قاهره، دار السلام.
- _____، ۱۹۳۵ق، *مقام العقل فی الاسلام*، مصر، نهضة المصر.
- _____، بی تا - الف، *أزمه العقل العربی*، قاهره، الآفاق الدولية الإعلام.
- _____، بی تا - ب، *الشیخ ثلثوت*، مصر، دار السلام.
- عیسی، عبدالرازق، ۱۴۳۲ق، *محمد عماره داعیه الاحیاء و التجدید الإسلامی*، دمشق، دارالقلم.
- گلی، جواد، ۱۳۹۲، *نقد و بررسی جیستی وحی قرآنی در نگاه نومعتزله*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- یوسفیان، حسن و احمدحسین شریفی، ۱۳۸۳، *عقل و وحی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- یوسفیان، حسن، ۱۳۸۹، *کلام جدید*، چ پنجم، تهران، سمت.